

## گردش سرمایه در حقوق بین الملل: ارزیابی تحریم سرمایه گذاری خارجی ایران\*

سید یاسر ضیایی<sup>۱</sup>

دانشیار حقوق بین الملل دانشگاه قم

محمدرضا ملت<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه قم

تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۵/۶

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۹/۱۱

### چکیده

جریان آزاد سرمایه در راستای آزادسازی تجارت جهانی مورد توجه اقتصاددانان بوده است. صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، گروه بیست، موافقت نامه های تجارت آزاد و معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری خارجی بر این اصل تاکید داشته اند. استثنائاتی نیز بر جریان آزاد سرمایه وارد شده است که باید مضیق و محدود اعمال شود. این محدودیت ها شامل فقدان زیرساخت های اقتصادی، فقدان تراز پرداخت ها، وجود مشکلات مالی خارجی، مغایر بودن با نظم و منافع عمومی جامعه و بحران های اقتصادی و مالی است. مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که تحریم سرمایه گذاری خارجی ایران در پرتوی مقررات مربوط به گردش آزاد سرمایه در حقوق بین الملل چگونه تحلیل می شود؟ تحلیل مورد نظر با روش توصیفی-تحلیلی در چهار بخش شامل تحدید و گردش آزاد سرمایه در اقتصاد بین الملل، تحدید و گردش آزاد سرمایه در حقوق بین الملل، سرمایه گذاری خارجی در حقوق بین الملل: از تشویق تا تحریم و ارزیابی تحریم سرمایه گذاری خارجی ایران صورت گرفته است.

\* - نوع مقاله پژوهشی و کاربردی

1- yaserziaee@gmail.com

2- mrmellat@yahoo.com

DOI: 10.22067/le.v27i16.84418

در نهایت این نتیجه حاصل گردید که ورود و خروج سرمایه یا ارز به دولت‌ها به نحو ارادی و غیرارادی صورت می‌پذیرد. در این میان تحدید ارادی ورود سرمایه و تحدید ارادی خروج خاص سرمایه می‌تواند مغایر با برخی تعهدات حقوق بین‌الملل باشد. تحدید ارادی خروج سرمایه به یک کشور خاص همان تحریم سرمایه‌گذاری خارجی دولت است که مغایر با برخی تعهدات بین‌المللی است. تحریم سرمایه‌گذاری خارجی ایران با هیچ یک از استثنائات مذکور در اسناد بین‌المللی مطابقت ندارد و نیز مغایر با تعهدات ناشی از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی، موافقت‌نامه مودت و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است.

**کلمات کلیدی:** تحریم، سرمایه‌گذاری خارجی، گردش آزاد سرمایه، جریان آزاد سرمایه، جمهوری اسلامی ایران.

## مقدمه

جهانی شدن اقتصاد از مفاهیمی است که در عصر کنونی فراروی اعضای جامعه بین‌المللی قرار دارد و آثار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در پی داشته است. جهانی شدن اقتصاد هنگامی به منصف ظهور می‌رسد که حدود جغرافیایی و حاکمیت ملی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری و نقل انتقالات مالی کم‌ترین نقش را داشته باشند. یکی از مؤلفه‌های مهم در جهانی شدن اقتصاد «گردش آزاد سرمایه» است.

جریان آزاد سرمایه تعریف واحدی در اقتصاد بین‌الملل ندارد و سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی هم تعریف واضحی را از جریان آزاد سرمایه ارائه نکرده‌اند (Lupo Pasini, 2011, p 4). جریان آزاد سرمایه در دو حوزه بازار سرمایه‌گذاری مستقیم<sup>۱</sup> و سرمایه‌گذاری غیرمستقیم<sup>۲</sup> قابل تصور است. چنانچه تجارت بین‌الملل را واجد چهار ضلع تجارت کالا، تجارت خدمات، تجارت مالکیت فکری و تجارت سرمایه‌گذاری خارجی بدانیم به نظر می‌رسد که کشورها بیشترین آزادسازی را راجع به تجارت کالا و خدمات و مالکیت فکری داشته‌اند. این آزادسازی که در چارچوب سازمان تجارت جهانی اتفاق افتاده است سه معاهده بین‌المللی موافقت‌نامه عمومی تعرفه و

1- investment

2- Portfolio

تجارت (گات)<sup>۱</sup>، موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گتس)<sup>۲</sup> و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)<sup>۳</sup> را به خود اختصاص داده است. محدود کردن موافقتنامه جنبه‌های تجارت سرمایه‌گذاری (تریمز)<sup>۴</sup> به اقدامات سرمایه‌گذاری مؤثر بر «تجارت کالا» بیانگر همین واقعیت است که جریان آزاد «سرمایه» فی نفسه یک موضوع مورد اختلاف است.

در طی فرآیند جهانی شدن کشورهای در حال توسعه توجه ویژه‌ای به سرمایه‌های خارجی برای حل مشکلات سرمایه‌ای و تامین منابع مالی خویش دارند. آزادسازی جریان‌های سرمایه، امکان دسترسی به منابع مالی مازاد کشورهای سرمایه‌فرست را به کشورهای سرمایه‌پذیر فراهم می‌آورد. به طور کلی کشورهایی که دارای مازاد نقدینگی هستند در جستجوی فرصت‌هایی برای سرمایه‌گذاری پس‌اندازهایشان هستند. لذا آزادسازی جریان‌های سرمایه این امکان را فراهم می‌آورد که نقدینگی از سمت کشورهای دارای مازاد سرمایه به سمت کشورهای نیازمند سرمایه منتقل شده و بهره‌وری در استفاده از منابع را افزایش داده و موجب رفاه شود. می‌توان گفت افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در توسعه پایدار کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه نقش بسزایی دارد. (Vinhas de Souza, 2004, p 4)

در مقابل، گردش آزاد سرمایه می‌تواند مشکلاتی را برای کشورها ایجاد نماید. این روند می‌تواند به افزایش وابستگی اقتصادی کشورها منجر شود که مغایر با سیاست‌های اقتصاد ملی برخی کشورها تلقی می‌شود. همچنین جریان آزاد سرمایه می‌تواند اقتصادهای فاقد ساختار مناسب را به چالش بکشد و موجب مسائلی از قبیل افزایش نابرابری در توزیع ثروت و تخریب محیط‌زیست گردد. به همین خاطر است که برخی از کشورها با ابزارهای حاکمیتی سعی در کنترل گردش آزاد سرمایه دارند.

یکی از مهمترین موانع گردش آزاد سرمایه، «تحریم سرمایه‌گذاری خارجی» است. تحریم‌های اقتصادی معمولاً به دلیل منفعت اقتصادی صورت نمی‌گیرد و هدف از تحریم اقتصادی و از جمله سرمایه‌گذاری خارجی این است که تا حد امکان به اقتصاد دشمن خسارت آورد (Feldan,

1- General Agreement on Tariffs and Trade (GATT 1947) amended in 1994

2- General Agreement on Trade in Services (GATS 1994)

3- Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS 1994)

4- Agreement on Trade-Related Investment Measures (TRIMS 1994)

(Ignatius, 2000: 142). جمهوری اسلامی ایران نیز به ویژه پس از انقلاب اسلامی با تحریم های اقتصادی مواجه بوده است که ممانعت جدی در راه جریان آزاد سرمایه و سرمایه گذاری خارجی در مسیر کشورمان ایجاد نموده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوال است که تحریم سرمایه گذاری خارجی ایران در پرتوی مقررات مربوط به گردش آزاد سرمایه در حقوق بین الملل چگونه تحلیل می شود؟ تحلیل مورد نظر در چهار بخش شامل تحدید و گردش آزاد سرمایه در اقتصاد بین الملل، تحدید و گردش آزاد سرمایه در حقوق بین الملل، سرمایه گذاری خارجی در حقوق بین الملل: از تشویق تا تحریم و ارزیابی تحریم سرمایه گذاری خارجی ایران صورت گرفته است.

### ۱- تحدید و گردش آزاد سرمایه در اقتصاد بین الملل

یکی از ابزارهای شناخت در روابط بین بازیگران بین المللی، رویکرد اقتصاد سیاسی بین الملل است. مطالعه رابطه میان دولت، بازار، اقتصاد و سیاست بین المللی بر عهده نظامی به نام اقتصاد سیاسی بین الملل است که در خود نظریات مختلفی را نهفته دارد (Jackson & Sørensen, 2010: 182). گردش آزاد سرمایه<sup>۱</sup> در مکاتب اصلی اقتصاد بین الملل از این جهت بررسی می گردد تا ریشه های فکری و اعتقادی آن اثبات گردد و در تحلیل جایگاه این مفهوم در حقوق بین الملل نتیجه گیری دقیق تری صورت پذیرد.

روبرت گلیپین<sup>۲</sup> در بیان نظرات اقتصادی بین المللی از سه مکتب بنیادین مرکانتیلیسم، لیبرالیسم و مارکسیستی نام می برد (Mohammadi, 2004: 13). مکتب مرکانتالیسم<sup>۳</sup> واقع گرا یا ملی گرا، از قرن شانزده تا اواخر قرن هجده میلادی بر تفکر و سیاست های اقتصادی حاکم بود. در این مکتب داشتن ثروت انباشته برای داشتن قدرت امری حیاتی تلقی می شد و ذخایر طلا و نقره به عنوان وسیله پرداخت تجارت خارجی نقش اصلی تحقق قدرت را ایفا می کرد. در عرصه داخلی افزایش دخالت دولت موجب تقویت اقتصاد ملی و افزایش درآمدهای ملی می گردد. در عرصه

1- Capital movement, Capital turnover, Capital flow, Financial flow

2- Glipin Robert

3- Mercantilism

بین‌المللی موازنه تجاری دولت عنصر اصلی موازنه قدرت بین‌المللی تلقی می‌گردد و با محدود کردن واردات و تشویق صادرات به ثروت کشور افزوده می‌شود (Mohammadi, 2004: 14). جریان آزاد سرمایه در این مکتب معنا پیدا نمی‌کند زیرا کشورها در این شیوه تنها به جریان یک سویه سرمایه می‌اندیشند و تجارت را رابطه‌ای، با بردی یک طرفه تلقی کرده و طرفدار وضع قوانین در جهت برقراری عوارض گمرکی و موانع تجاری بودند. با این حال علی‌رغم سیاست تحدید واردات در اقتصاد مرکانتالیستی، دولت‌ها منابع کافی برای متوقف کردن قاچاق کالا در اختیار نداشتند. همچنین با تحولاتی همچون انقلاب صنعتی، دیدگاه یک‌سوی این مکتب نیاز دولت‌ها را پاسخ نمی‌گفت. دیوید هیوم<sup>۱</sup> عقیده داشت که مرکانتیلیسم ممکن است در کوتاه مدت وضعیت تجاری را بهبود بخشد ولی این امر در دراز مدت به زیان کشور خاتمه می‌یابد (Tafazoli, 2004: 16)

از سال ۱۷۵۸ میلادی در فرانسه مکتبی به نام فیزیوکراسی<sup>۲</sup> ظهور کرد که با مطرح نمودن قانون طبیعی آزادی تجارت در داخل و خارج،<sup>۳</sup> اندیشه‌های مرکانتیلیستی را کنار نهاد (Muller, 1978: 152).

سپس آدام اسمیت<sup>۴</sup> به تاثیر از این مکتب در سال ۱۷۷۶ اقدام به انتشار کتاب مشهور خود تحت عنوان «ثروت ملل» کرد و مکتب کلاسیک را با اندیشه‌های لیبرالیسم اقتصادی و بر اساس فلسفه اصالت فرد در امور اقتصادی بنیان نهاد (Tafazoli, 2004: 29). اسمیت معتقد به تجارت خارجی آزاد بر اساس نظریه اصل تقسیم کار بین‌المللی و مزیت مطلق<sup>۵</sup> بود. به اعتقاد وی سیاست دولت در قبال تجارت بین‌الملل نیز، باید همان سیاستی باشد که در مورد تجارت داخلی اتخاذ می‌شود؛

1- David Hum

2- Physiocracy

۳. آ فیزیوکرات‌ها نظر بر این دارند که اقتصاد نیز مانند طبیعت با توجه به مکانیسم‌هایی که در آن وجود دارد به تعادل می‌رسد و نیازی به دخالت دولت در رسیدن به تعادل ندارد. آزادی عمل (Laisser Faire) و آزادی عبور (Laisser passer) دو شعار اقتصادی و تجاری فیزیوکرات‌ها بود.

4- Adam Smith

۵- مثال مزیت مطلق در کتاب ثروت ملل چنین آمده است: اگر انگلستان می‌تواند کالایی مانند پشم را با هزینه کمتر از فرانسه تولید کند و فرانسه نیز می‌تواند کالایی را مانند نوشیدنی، با هزینه کمتر از انگلستان تولید کند، آنگاه برای هر دو طرف سودآور خواهد بود تا کالایی را که با هزینه کمتری تولید می‌کنند با کالایی که تولیدش هزینه بالاتری برایشان دارد، مبادله کنند.

یعنی اجازه دهیم مبادلات داوطلبانه در بازارهای آزاد و به دور از مداخلات دولتی و با استفاده از دست نامرئی بازار صورت گیرند (Tafazoli, 2004: 35). مکتب لیبرالی آدام اسمیت معتقد است که نبایستی کشورها موانع تجاری را برای ورود و خروج کالاها و خدمات ایجاد کنند تا رفاه کل جهان تأمین گردد. (Saadat, 2014: 7) در نگرش لیبرالیسم اقتصادی جریان آزاد سرمایه به اوج خود می‌رسد. مفاهیم «بازار آزاد» یا «اقتصاد بازار»<sup>۱</sup> محصول همین مکتب است.

ریکاردو<sup>۲</sup> با ادامه راه مکتب لیبرالی مفهوم مزیت نسبی<sup>۳</sup> را در تجارت آزاد وارد کرد و به نوعی نظریه مزیت آدام اسمیت را تکمیل نمود. مکتب لیبرالی تا مدت زیادی به عنوان پایه نظریات تجارت بین‌الملل به‌شمار می‌آمد و با شروع جنگ جهانی اول و پس از آن، با وقوع رکود بزرگ اقتصادی<sup>۴</sup> در دنیا، اساس نظم لیبرالی متزلزل گشت و پایانی بر اقتصاد سرمایه‌داری کلاسیک بود که آدام اسمیت آن را بشارت می‌داد (Eichengreen, 1992: 89).

مکتب مارکسیسم یا سوسیالیسم بر خلاف مکتب لیبرالی، اجتماع‌محور و معتقد به برابری بود (Ghorashi, 1995: 38) بوخارین<sup>۵</sup> از اندیشمندان مارکسیستی بیان می‌دارد که ماهیت نظام سرمایه‌داری توسعه‌طلب موجب می‌شود تا دو طبقه جدید بورژوازی بین‌المللی و پرولتاریای بین‌المللی شکل گیرد و به همین جهت وی مخالفت خود را با جریان آزاد سرمایه ابراز می‌دارد. (Ghanbarlo, 2012: 184)

در مکتب اقتصاد اسلامی نیز اعتقاد بر محدودیت در تجارت وجود داشت. آیت‌ا... شهید

1- Free Market, Market economy, Laissez-faire

2- David Ricardo

۳- طبق قانون مزیت نسبی، حتی اگر یک کشور در تولید هر دو کالا نسبت به کشور دیگر کارایی کمتری داشته باشد (یعنی در تولید هیچ کالایی مزیت مطلق نداشته باشد)، هنوز هم پایه‌ای برای تجارت دوجانبه سودآور وجود دارد. کشور اول باید در تولید و صدور کالایی تخصص پیدا کند، که دارای عدم مزیت مطلق کوچکتری است (کالایی که دارای مزیت نسبی است) و کالایی را وارد کند، که عدم مزیت مطلق بزرگتری دارد (کالایی که دارای عدم مزیت نسبی است) (Salvatore, Dominick, 2007: 48).

4- Great Depression

در دوره جنگ‌های جهانی سیاست‌های اقتصادی کشورهای مختلف مانند محدودیت تجارت خارجی، محدودیت معاملات ارزی و غیره باعث ایجاد رکود بزرگ شده بود.

5- Bukharin

محمدباقر صدر ساختمان عمومی اقتصاد اسلامی را متشکل از سه اصل مالکیت، آزادی اقتصادی و عدالت اجتماعی می‌داند (4: 2014, Reza zadeh). محدودیت‌هایی که بر این نظام وارد شده است به دو دسته محدودیت‌های ذاتی و عینی تقسیم می‌شود. محدودیت ذاتی، محدودیتی است که از روح انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد. احکام مربوط به تحریم، ربا، احتکار، اسراف و بهره برداری منابع طبیعی و مکاسب محرمة از این محدودیت‌هاست. محدودیت عینی خارج از وجود انسان و بر اساس نظارت حکومت اسلامی به وجود می‌آید که مبتنی بر مصالح عمومی است. (234: 2013, Namazi & Lashkari) محدودیت در خروج سرمایه از امت اسلام از جمله محدودیت‌های ذاتی (مانند قاعده نفی سیل) و محدودیت در ورود سرمایه به امت اسلام از محدودیت‌های عینی می‌تواند باشد.

مکتب کینزی که توسط جان مینارد کینز<sup>۱</sup> بنا شده است دخالت دولت در اقتصاد را موجب ایجاد اشتغال و رشد سرمایه‌گذاری یعنی رشد در هر دو بخش بازار کار و بازار سرمایه می‌داند. در این نظریه دخالت دولت باید مکمل نیروهای بازار باشد. کینز در زمینه بین‌المللی، لیبرال‌ها را از این موضوع که چه نوع دخالت بین‌المللی صورت بگیرد به سمت اینکه چه نهادهایی در سطح بین‌الملل باید ایجاد شود، می‌کشاند و به سمت همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی سوق می‌دهد. (26: 2004, Mohammadi). کینز با انتقاد از رویکرد جریان آزاد سرمایه، بیان داشت که «کنترل» حرکت سرمایه، چه به داخل و چه به خارج، باید ویژگی دائمی اقتصاد پس از جنگ باشد. (Tab, 2004: 182)

پس از مکتب کینزی نئوکلاسیک‌ها نظریات اقتصادی را راهبری کردند که در آن بر آزادی جریان اقتصاد و سرمایه تاکید داشتند (رزمی، ۱۳۸۳، ص. ۲۰۰) یکی از عمده‌ترین متفکران این گرایش میل‌تون فریدمن<sup>۲</sup> استدلال می‌کرد که ایجاد ثبات تبادل ارزی در نظام اقتصادی بین‌المللی خطاست و نظام خودتنظیمی خروجی بهتری را نسبت به دخالت سیاسی در بازار فراهم می‌سازد. (39: 2011, Crane & Amawi) در واقع در این مکتب پیش‌بینی می‌شود که جریان سرمایه خودبه‌خود به سمت کشورهای در حال توسعه جریان یابد (84: 2014, Marwa).

1- John Maynard Keynes

2- Milton Friedman

یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین نظریات در مورد تاثیر ورود سرمایه، نظریه «سه گانه ناممکن»<sup>۱</sup> است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی توسط «رابرت ماندل» و «مارکوس فلمینگ» مطرح شد و یکی از دلایل اصلی اعطای جایزه نوبل اقتصاد به ماندل در سال ۱۹۹۹ بود. ماندل و فلمینگ معتقد بودند، هیچ کشوری نمی تواند همزمان ورود و یا خروج سرمایه را آزاد بگذارد و هم نرخ تسعیر (نرخ برابری ارز یا قدرت پول ملی) را ثابت نگه دارد. بر اساس این نظریه، کشورها می بایست یکی از این سیاست ها را قربانی دوتای دیگر کنند و اتخاذ هر سه سیاست در یک زمان امکان پذیر نیست.

امروزه در عرصه بین المللی علی رغم پذیرش نگرش بازار آزاد تلاش شده است با ایجاد سازمان های بین المللی نسبت به نظارت بر اقتصاد بین المللی اقدام شود. لذا می توان گفت که امروزه رویکرد حاکم بر اقتصاد بین الملل همان تجارت بازار آزاد همراه با نظارت و مداخله سازمان های بین المللی است که آن را شبیه مدل اقتصاد کینزی در عرصه بین المللی می سازد. در این حالت گردش آزاد سرمایه با محدودیت هایی مواجه خواهد بود.

## ۲- تحدید و گردش آزاد سرمایه در حقوق بین الملل

در عرصه حقوق بین الملل می توان حداقل دو دوره زمانی برای جریان آزاد سرمایه می توان متصور بود. دوره اول، دوره حاکمیت دولت ها که با الهام از مفهوم وستفالیایی حاکمیت، محدودیت بر گردش آزاد سرمایه را تجویز می کند که نمود این مرحله را می توان در بازه زمانی دو جنگ جهانی مشاهده کرد. دیوان دائمی بین المللی دادگستری نیز حق حاکمیت دولت ها در تنظیم نظام پولی<sup>۲</sup> را یک اصل کلی می داند.<sup>۳</sup> در دوره دوم، بعد از جنگ جهانی دوم تصمیم دول متفق برای اصلاح نظام اقتصاد بین الملل تلاش نمودند. بر این اساس سه سازمان بین المللی یعنی صندوق بین المللی پول، بانک ترمیم و توسعه و سازمان تجارت جهانی به ترتیب برای تنظیم فعالیت

1- Impossible Trinity

2- Currency

3- Concerning the Payment of Various Serbian Loans Issued in France (Serbia. v. France), Judgment, 1929 P.C.I.J. (Ser. A) No. 20, p. 44.



اقتصادی پولی،<sup>۱</sup> فعالیت اقتصادی مالی<sup>۲</sup> و فعالیت اقتصادی تجاری<sup>۳</sup> تشکیل گردیدند که از آن به نظام اقتصادی برتون وودز<sup>۴</sup> یاد می‌شود. تجارت بین‌الملل در معنای اعم خود نیز شامل تجارت کالا، تجارت خدمات، تجارت مالکیت فکری و تجارت سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود که چهار سند بین‌المللی برای هر یک تنظیم گردید.

سیاست‌های مربوط به ورود و خروج سرمایه هم‌زمان واجد ویژگی پولی، مالی و تجاری است. به عبارت دیگر ورود سرمایه خارجی به افزایش ارز بین‌المللی می‌انجامد (اثر پولی) و همچنین معمولاً در توسعه کشور میزبان تأثیرگذار است (اثر مالی) و هم‌زمان می‌تواند تجارت کالا و خدمات را به دنبال داشته باشد (اثر تجاری). به همین دلیل تنظیم مقررات مربوط به گردش سرمایه مورد توجه هر سه دسته ترتیبات بین‌المللی و منطقه‌ای در حوزه پولی و مالی و تجاری بوده است.

## ۲-۱- رویکرد سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی

عضویت کشورها در نهادهای بین‌المللی اقتصادی و تأثیر آن بر روابط اقتصادی آن با سایر کشورها و در واقع بهره‌مند شدن سایر کشورها از این عضویت نکته مهمی است که باید در جریان آزاد سرمایه در نظر گرفته شود. سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی اعم از نهادهای پولی، مالی و تجاری نقش مهمی را در جریان آزاد سرمایه ایفا می‌نمایند که از مهم‌ترین آن‌ها صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه را می‌توان نام برد.

### ۲-۱-۱- صندوق بین‌المللی پول

از اهداف اصلی کنفرانس برتون وودز پایان یکجانبه‌گرایی بود و در سال ۱۹۴۴ طرح اولیه تاسیس صندوق بین‌المللی پول مطرح شد. هدف اصلی تشکیل این صندوق علاوه بر مسئولیت

1- Monetary

2- Financial

3- Trade

4- Bretton Woods

تنظیم نظام پولی جهان، تسهیل روابط مالی کشورها، ارتقای میزان همکاری مالی، جلوگیری از فقر، کمک به رشد اقتصادی و بازار کار در سطح بین‌المللی و ایجاد تسهیلات مالی برای کشورهایی که خواستار تنظیم تراز پرداخت‌شان می‌باشد، بود. طبق بند دوم ماده ۸ موافقت‌نامه صندوق، هیچ عضوی نمی‌تواند بدون اجازه صندوق بین‌المللی پول بر مبادلات و پرداخت‌های بین‌المللی مانعی ایجاد نماید. (Article VIII (2) (a) of the IMF Articles of Agreement)

صندوق تلاش‌های بسیاری را در ایجاد سیاست‌های سرمایه‌ای در میان اعضای خویش نموده است، لیکن سیاست‌ها و حوزه صلاحیتی صندوق در تعیین سیاست‌های سرمایه برای اعضا نامشخص بود. تا اینکه در سال ۲۰۱۱ کمیته صندوق بین‌المللی پول فعالیت خود را در این زمینه آغاز کرد و در سال ۲۰۱۲ میلادی گزارشی<sup>۱</sup> را در خصوص جریان آزاد سرمایه و کنترل آن جهت توصیه به اعضای خویش پیشنهاد نمود. (Feibelman, 2015: 414)

در قسمت ابتدایی این گزارش به مزایای جریان‌های آزاد سرمایه اشاره می‌گردد. از آن جمله می‌توان به شفافیت و رقابتی کردن اقتصاد داخلی و جهانی اشاره کرد. در کنار این امر، با جریان‌های آزاد سرمایه، انتقال تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی با سهولت بیشتری اتفاق می‌افتد. نمونه بارز رابطه مستقیم جریان سرمایه و رشد و را می‌توان در سرمایه‌گذاری خارجی و تامین‌های مالی غیراستقراری مشاهده نمود (IMF, 2012: 10). از نظر صندوق میزان اثرگذاری جریان آزاد سرمایه منوط است به وجود «زیرساخت‌های پیشرفته» مالی، تجاری و نظارتی و اگر چنین مجموعه‌ای در کشوری یافت نشود، وجود جریان سرمایه یک آفت بزرگ خواهد بود. علاوه بر وجود زیرساخت‌های داخلی مساعد، بایستی یک همبستگی مالی، بانکی و تجاری میان کشورها در عرصه بین‌المللی وجود داشته باشد تا جریان آزاد سرمایه شکل گیرد.

در توصیه صندوق بین‌المللی پول به کشورها جهت ایجاد جریان آزاد سرمایه سه مرحله ضروری است. ابتدا آزادسازی ورود جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به داخل کشور، دوم آزادسازی شرایط جهت جریان سرمایه‌گذاری به خارج از کشور و سوم تسهیل جریان‌های کوتاه مدت سرمایه‌گذاری (Ibid). صندوق بین‌المللی پول در گزارش فوق‌الذکر، در کنار تاکید بر

---

1- institutional view

جریان آزاد سرمایه از «سیاست‌های احتیاطی» نیز در مراقبت کردن و محدود نمودن جریان آزاد سرمایه نام می‌برد ولی از نظر صندوق این اقدامات نباید از جنبه استثنایی و محدود بودن خارج گردند.

در گزارش صندوق راجع به گردش سرمایه از سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴ آمده است که صندوق بعد از بحران اقتصادی دهه ۱۹۹۰ با موضوع گردش آزاد سرمایه محتاطانه برخورد کرده است و در شرایطی کنترل گردش سرمایه را -هرچند به طور موقت و به عنوان راه حل ثانوی<sup>۱</sup>- جایز دانسته است.<sup>۲</sup> همچنین صندوق در بحران‌های ایسلند، اروپای مرکزی و شرقی و همین‌طور قبرس از سیاست‌های کنترل خروج سرمایه حمایت نمود (Feibelman, 2015: 435).

## ۲-۱-۲- سازمان تجارت جهانی

تلاش ناموفق برای تاسیس سازمان تجارت بین‌الملل<sup>۳</sup> بعد از جنگ جهانی دوم منجر به تاسیس گات در ۱۹۴۷ شد. در پایان هشتمین دور مذاکرات در اروگوئه در سال ۱۹۹۴ اعضای این نهاد با امضای موافقت‌نامه‌ای در مراکش با تشکیل سازمان جهانی تجارتی موافقت کردند و این سازمان از ۱۹۹۵ کار خود را آغاز کرد (Barton, et al., 2008: 45).

اساساً در نظام سازمان جهانی تجارت، «واردات خارجی» آزادسازی می‌شود و نه صادرات. گات بر حذف موانع تجارت با روش‌های مختلف تعرفه و محدودیت مقداری و ... برای واردات تأکید می‌کند. با این حال موافقت‌نامه جنبه‌های تجارت سرمایه‌گذاری (تریمز) با رویکردی جامع‌تر در «لیست تدابیر نامشروع» به این معاهده، در ذکر مصادیق «محدودیت‌های مقداری»، این موارد را ممنوع کرده است: محدودیت واردات محصولات مورد نیاز برای تولید شرکت خارجی به طور کلی و یا به میزان مقدار یا ارزش تولید محصول در داخل، محدودیت واردات محصولات مورد

1- second-best instrument

2- Fund's Independent Evaluation Office, The IMF's Approach to Capital Account liberalization, IEO Evaluation Report, "assessed the level of IMF support for capital account liberalization and capital controls in the wake of the financial crises in the 1990s", 2005.

3-ITO

نیاز شرکت خارجی از طریق محدودیت در دسترسی به ارزهای خارجی به میزان واردات ارزی<sup>۱</sup> شرکت خارجی، محدودیت در صادرات یا فروش با هدف صادرات از سوی شرکت خارجی به میزان مقدار یا ارزش محصولات یا متناسب با مقدار یا ارزش تولید داخلی (ماده ۲ ضمیمه ترمینز). به عبارت دیگر هرگونه ورود یا خروج سرمایه نقدی و غیرنقدی در فعالیت شرکت خارجی از سوی دولت میزبان سرمایه (سرمایه پذیر) باید آزاد باشد.

گتس نیز به مفهوم جریان آزاد سرمایه اشاره می کند (Lupo Pasini, 2012: 13). صدر ماده ۱۱ گتس بیان می دارد که اعضای سازمان تجارت جهانی نباید محدودیتی را در جریان آزاد حواله ها و پرداخت های بین المللی<sup>۲</sup> انجام دهند و محدودیت ها جز در عوارض گمرکی و مالیاتی و در حدود استثنائات ماده ۱۲ و یا درخواست صندوق بین المللی پول نمی توانند بر جریان مبادلات مانعی ایجاد نمایند. طبق صدر ماده ۱۲ در صورت وجود دشواری های جدی در تراز پرداخت ها و مشکلات مالی خارجی یا خطر بروز آن ها یک عضو می تواند محدودیت هایی را در مورد تجارت خدمات برقرار کند. این محدودیت در جهت حفظ اقتصاد داخلی کشورها است که بایستی بی تبعیض اعمال شود.

علاوه بر چهار سند اصلی این سازمان، تعهدات دیگری از معاهدات دیگر این سازمان راجع به تحدید یا جریان سرمایه وجود دارد. به طور مثال طبق فحوای کلی موافقتنامه اجرای ماده ۶ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ (موافقتنامه ضدبازار شکنی)<sup>۳</sup> هرگونه جریان خروج سرمایه با هدف کاهش ارزش پول ملی و به تبع آن تصاحب بازار صادرات منجر به بازار شکنی شده و ممنوع خواهد بود.

اعضای سازمان تجارت جهانی در صورتی که عضو صندوق بین المللی پول نیز باشند ممکن است ملزم به پذیرش تعهدات مضاعف در جریان آزاد سرمایه باشند (Pabian, 2015: 13). در سازمان تجارت جهانی ایجاد هرگونه محدودیت مجاز بایستی با مشورت « کمیته سازمان تجارت

1- foreign exchange inflows

2- international transfers and payments

3- Agreement on Implementation of Article VI of the General Agreement on Tariffs and Trade 1994

جهانی برای تعادل محدودیت‌های پرداخت<sup>۱</sup> باشد. این کمیته قواعد صندوق بین‌المللی پول را رعایت می‌نماید.<sup>۲</sup>

### ۲-۱-۳- اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا یک سازمان بین‌المللی سیاسی و اقتصادی است (About the EU, 2019). گردش آزاد سرمایه در کنار سه آزادی دیگر در اتحادیه اروپا (آزادی کالا، اشخاص و خدمات) از عناصر حیاتی این سازمان است. اتحادیه اروپا در تحقق آزادی گردش سرمایه دستورالعمل ۸۸/۳۶۱ را در سال ۱۹۸۹ تصویب نمود. ذیل این دستورالعمل تمامی اعضا بایستی تمام محدودیت‌های پیش روی جریان سرمایه را نسبت به تمام اشخاص حقوقی و حقیقی ساکن در جغرافیای اتحادیه اروپا را از ابتدای دهه ۱۹۹۰ حذف نمایند (Directive 88/361, 1989:7).

در معاهداتی که پس از این در اتحادیه اروپا مدون شد علاوه بر تاکید بر جریان آزاد سرمایه، دامنه آن نیز گسترده‌تر شد. ماده ۶۳ معاهده عملکرد اتحادیه<sup>۳</sup> بیان می‌دارد که همه محدودیت‌های جریان آزاد سرمایه میان دولت‌های عضو با یکدیگر و دولت‌های عضو با دولت‌های ثالث بایستی حذف گردد (TFEU, Art 63). البته در ماده ۶۶ معاهده مذکور به دولت‌های عضو اجازه داده شده است که به صورت استثنایی و موقتی (به مدت شش ماه) اقدام‌های محدودیت‌ساز را نسبت به دولت‌های ثالث غیرعضو اتحادیه اعمال نمایند با این شرط که اقدام‌های محدودکننده تنها زمانی می‌تواند اعمال گردد که جریان سرمایه به کشور ثالث یا از کشور ثالث موجب اختلال در فعالیت‌های اقتصادی و مالی اتحادیه اروپا نگردد. ماده ۶۵ معاهده عملکرد در خصوص محدودیت در گردش آزاد سرمایه علیه اعضای اتحادیه بیان می‌دارد که تنها در دو صورت امکان اعمال آن

#### 1- WTO Committee on balance of payments restrictions

۲ - البته در قضیه محدودیت‌های مقداری بر واردات محصولات کشاورزی، منسوجات و صنعتی، رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی تاکید می‌نماید که علاوه بر کمیته مذکور، هیئت حل و فصل اختلافات هم صلاحیت بررسی این محدودیت‌ها را دارد.

Appellate Body Report, India - Quantitative Restrictions on Import Agricultural, Textile and Industrial Products, p153, AB- 1999.

3- Treaty on the Functioning of the European Union, signed on 13 December 2007

هست: یکی در مواردی که گردش آزاد سرمایه «حقوق مالیاتی اعضا» را نقض نماید و دیگری نیز هنگامی که گردش آزاد سرمایه مغایر «نظم و منافع عمومی داخلی» اعضا باشد. دیوان دادگستری اروپا نیز در آرای مختلفی اعمال محدودیت بر جریان آزاد سرمایه را پذیرفته است مشروط بر اینکه محدود، مضیق و در چارچوب استثنائات فوق اعمال گردد.<sup>۱</sup>

اتحادیه در جدیدترین اقدام خود در راستای جریان آزاد سرمایه در سال ۲۰۱۵ میلادی اتحادیه بازار سرمایه<sup>۲</sup> را تاسیس نمود که بر این اساس تا سال ۲۰۱۹ میلادی بازار واحد سرمایه و سرمایه گذاری در قاره سبز تشکیل شود و موانعی را که در اروپا برای سرمایه گذاری وجود دارد از سر راه بردار می دارد. کمیسیون اروپا و دولت های عضو بدین منظور در حال کار بر روی حذف موانع پیش روی سرمایه گذاری خارجی می باشند و گروه کارشناسی نیز مبادرت به بررسی موانع جریان آزاد سرمایه و سرمایه گذاری در هر کشور عضو است که اولین گزارش این گروه در مارس ۲۰۱۷ منتشر شد (Fact Sheets on the European Union. Free Movement of Capital, 2018: 1). این اعتقاد وجود دارد که طبق مواد ۵۷ و ۵۹ و ۶۰ کمیسیون اروپایی، جریان آزاد سرمایه در اتحادیه اروپا تبدیل به یک تعهد عام الشمول<sup>۳</sup> شده است (Hindelang, 2009: 30)

#### ۲-۱-۴ سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه مجموعه قواعد آزادسازی جریان سرمایه<sup>۴</sup> را به تصویب رسانید که در آن از کشورهای عضو می خواهد که موانع بر سر جریان آزاد سرمایه را حذف کنند. این مقررات برای هر ۳۵ عضو سازمان الزامی است و از سال ۲۰۱۲ کشورهای غیرعضو هم می توانند به این سند بپیوندند. در سال ۲۰۱۶ نیز لایحه وظایف<sup>۵</sup> توسط سازمان مورد تصویب قرار

1- (ECJ,C-367/98, C-483/99 and C-503/99).

2- Union Capital Market

3- *erga omnes*

4- OECD Code of Liberalisation of Capital Movements

5- Term of Reference

لایحه وظایف یک ارگان عبارت است از مجموعه دستورات و قوانینی که مسوولیت ها و وظیفه های یک ارگان یا یک هیات در آن بیان می شود

گرفت که مجموعه قواعد آزادسازی جریان سرمایه توسط هیئت مشورتی<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گرفت تا موجبات تقویت و انسجام و پیوستگی اعضا در اجرای این سند فراهم آید (Review of the OECD Code of Liberalisation of Capital Movements, 2018). طبق ماده ۱ و ۲ این مجموعه قواعد، دولت‌های عضو بایستی میان یکدیگر موانع بر سر راه جریان آزاد سرمایه را حذف نمایند. در ماده ۷ این قواعد به صورت استثنایی به کشورهای عضو اجازه می‌دهد تا اعضا موقتا تعهدات خود را در زمان بحران‌های اقتصادی و مالی به تعویق بیندازند؛ البته مشروط بر اینکه این تخطی از اصل به صورت غیر تبعیض‌آمیز باشد و قبل از اعمال آن به سازمان اعلام گردد.<sup>۲</sup>

## ۲-۲- رویکرد معاهدات بین‌المللی اقتصادی

در کنار سازمان‌های بین‌المللی که بازیگران بزرگ اقتصادی در آن عضویت دارند و اصل جریان آزاد سرمایه در آن‌ها مورد تاکید است، تعهدات قراردادی همچون موافقت‌نامه تجارت آزاد و معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی نیز باید به عنوان قسمت مهمی از نظام جریان سرمایه دنیا باید مورد مذاقه قرار بگیرد.

## ۲-۲-۱- موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد

گردش آزاد سرمایه از ارکان مهم موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد تلقی می‌گردد و دولت‌ها

### 1- Advisory Task Force on the OECD Codes (ATFC)

۲- علاوه بر سازمان‌های مذکور، گروه ۲۰ شامل کشورهای آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، روسیه، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا در اجلاس سال ۲۰۱۱ در فرانسه بیانیه غیرالزام‌آوری در خصوص گردش سرمایه صادر نمودند. (G20 Coherent Conclusions for the Management of Capital Flows Drawing on Country Experiences, 2018). در این بیانیه علی‌رغم تاکید بر گردش آزاد سرمایه، تمرکز اصلی بر اقدامات احتیاطی و کنترلی گذارده می‌شود. در بند پایانی این بیانیه بر عدم وجود تعهد حقوقی مبنی بر ایجاد جریان آزاد سرمایه تاکید می‌کند، لیکن بدین مهم اشاره می‌نماید که گردش آزاد سرمایه در صورت مدیریت مخاطرات آن، منافع زیادی را برای هر کشوری فراهم می‌آورد. (Ibid, para 11) در توصیه گروه ۲۰ آمده است که اقدامات کنترلی نباید موجب اختلال در زیرساخت‌ها و مقررات ضروری اقتصاد کشورها گردد.

برای رسیدن به این هدف دست به انعقاد موافقت نامه های تجارت آزاد می زنند.<sup>۱</sup> این یک امر طبیعی است که استفاده از ابزارهای محدود کننده جریان آزاد سرمایه در موافقت نامه های مذکور امری استثنایی تلقی گردد (Leckow, 1999: 515). به عنوان مثال هدف نفتا از بین بردن تدریجی محدودیت های تجارت و سرمایه گذاری بین سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک بوده است و در این مسیر ایجاد ابزارهای محدودیت ساز جریان آزاد سرمایه امری غیرمعقول به نظر می رسد. در مواد ۱۲۰۲ و ۲۱۰۴ دولت ها به صورتی استثنایی و ضروری و در جایی که نظام پرداخت کشورها با سختی مواجه می شود و یا در موارد امنیت ملی، می توانند از ابزارهای محدود کننده جریان سرمایه استفاده نمایند. نکته قابل توجه در جریان آزاد سرمایه میان موافقت نامه های تجارت آزاد این است که میزان آزادسازی جریان سرمایه در این نظام ها مساوی نیست. به طور مثال این آزادسازی در موافقت نامه های تجارت آزاد کانادا، اروپا و ژاپن به مراتب کمتر از موافقت نامه هایی است که ایالات متحده با سایر کشورها منعقد می نماید (Pasini, 2011: 17). این تفاوت در موافقت نامه های مربوط به یک کشور نیز دیده می شود. به عنوان مثال در موافقت نامه تجارت آزاد کانادا با کشور هندوراس شاهد اشاره به آزادی جریان سرمایه نیستیم، ولی در موافقت نامه کانادا با اتحادیه اروپا توجه بیشتری به جریان آزاد سرمایه شده است (EFTA)<sup>۲</sup> (Art.12). در موافقت نامه های ایالات متحده کمتر موردی یافت می شود که جریان آزاد سرمایه مورد تاکید نباشد به عنوان مثال می توان به موافقت نامه تجارت آزاد ایالات متحده با کشورهای آمریکای مرکزی اشاره کرد که به آزادی جریان سرمایه به عنوان اهداف اصلی این موافقت نامه تاکید دارد. (CAFTA-DR, Art. 1.2)

## ۲-۲-۲- معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری خارجی

معاهدات سرمایه گذاری خارجی اگرچه حوزه محدودتری از موافقت نامه های تجارت آزاد را پوشش می دهند، همانند این موافقت نامه ها دایر بر جریان آزاد سرمایه می باشد و تشویق سرمایه گذار

۱- طبق گزارش سال ۲۰۱۱ سازمان تجارت جهانی همه کشورهای عضو این سازمان (به جز مغولستان) حداقل در یک موافقت نامه تجارت آزاد عضو بوده اند.

2- Canada - European Free Trade Association.



خارجی از طریق حداقلی کردن محدودیت‌ها و ایجاد جذابیت‌های سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد. (Leckow, 1999: 515). بسته به نوع تعریف سرمایه در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی نوع حمایت از جریان آزاد سرمایه متفاوت است. در مواردی که سرمایه غیرفیزیکی است و بازار سرمایه هدف سرمایه‌گذاری است، استانداردها و شروطی همچون شرط عدم تبعیض، شرط کامله الوداد و شرط رفتار منصفانه استفاده می‌گردد. اگر سرمایه فیزیکی مطرح نظر باشد شرط انتقال آزاد<sup>۱</sup> در کنار شروط قبلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Pasini, 2011: 18). طبق این شرط دولت میزبان باید بدون تاخیر شرایط انتقال سرمایه‌گذاری را اجازه دهد. به عبارت دیگر با این شرط، هرگونه محدودیت در جمع‌آوری و بازگرداندن سرمایه ناشی از سرمایه‌گذار خارجی را ممنوع می‌نماید (Pabian, 2015: 12) با مذاقه در اکثر ۳۰۰۰ معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان شرط انتقال آزاد را با عناوین دیگر ولی با ماهیت یکسان مشاهده نمود (Ghodoosi, 2014: 287). در مراجع داوری نیز بر این شرط صحه گذاشته‌اند و برای نمونه می‌توان به داوری آرژانتین و شرکت متال‌پار اشاره نمود.<sup>۲</sup> ایکسید در قضیه اخیر معتقد است که شرط انتقال آزاد نافی ایجاد محدودیت‌هایی برای اجرای آن نیست.<sup>۳</sup> در برخی موارد شرط انتقال

#### 1- Free transfer clauses

۲- در این قضیه دو شرکت شیلیایی علیه دولت آرژانتین دعوایی را در ایکسید مطرح کردند که در آن علیه تصمیمات محدودساز آرژانتین شکایت صورت گرفت. خواهان‌ها معتقد بودند که مقررات آرژانتین آنها را از انتقال ارز ناشی از درآمد به خارج ممنوع ساخته است و همچنین استثنائی را برای سرمایه‌گذاران خارجی جهت پرداخت هزینه در معاملات خارجی (مثلاً از طریق کارت‌های اعتباری بین‌المللی) نپذیرفته است. در مقابل آرژانتین معتقد است که اخذ مجوز بانک مرکزی برای این اقدامات صرفاً در زمان بحران مالی این کشور اعمال شده است. همچنین شرط انتقال آزاد که در معاهده دوجانبه آمده است نافی روندهایی برای اجرای آن نیست. در نهایت دیوان داوری نظر اخیر آرژانتین را در این مورد تأیید می‌کند.

ICSID (2008). Case NO. ARB/03/5 (Metalpar S.A. and Buen Aire S.A. v. The Argentine Republic), p. 27 and p. 44.

۳- در قوانین جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در نظام حقوق ملی کشورها نیز می‌توان مشوق‌های خروج آزاد سرمایه از کشور توسط سرمایه‌گذار خارجی را مشاهده نمود. به طور مثال بند ۵ ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ایران مورخ ۱۳۸۱ بیان می‌دارد که انتقال سرمایه، سود سرمایه و منافع حاصل از بکارگیری سرمایه به صورت ارز و حسب مورد به صورت کالا به ترتیب مندرج در مجوز سرمایه‌گذاری میسر است. همچنین ماده ۲۵ این آیین‌نامه به امکان انتقال ارز ناشی از صادرات سرمایه‌گذاران خارجی در حدود تعیین شده در مجوز اشاره کرده است. باید توجه داشت

آزاد همراه با استثنائاتی چون حفظ تراز پرداخت‌ها همراه است. در مجموع با در نظر گرفتن تعهدات ناشی از سازمان‌های بین‌المللی و معاهدات بین‌المللی، می‌توان گفت که تحدید و گردش سرمایه در پرتوی قواعد حقوق بین‌الملل در نه وضعیت قابل تصور است که در سه مدل تحدید ارادی ورود سرمایه، جریان ارادی خروج سرمایه و تحدید ارادی خروج سرمایه علیه یک کشور، ممنوعیت وجود دارد. این ده وضعیت در جدول ذیل مشخص گردیده است.

	گردش سرمایه	علت اقتصادی	وضعیت حقوقی	منبع حقوقی
۱	جریان ارادی ورود	توسعه اقتصادی	الزام خاص <sup>۱</sup>	معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی
۲	جریان غیرارادی ورود	ثبات اقتصادی	مجاز	-
۳	تحدید ارادی ورود	خودکفایی	ممنوعیت خاص	معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی تعهدات سازمان تجارت جهانی و ...
۴	تحدید غیرارادی ورود	بی‌ثباتی اقتصادی	مجاز	-
۵	جریان ارادی خروج	بازار شکنی	ممنوعیت خاص	کنوانسیون ضدبازار شکنی
۶	تحدید ارادی خروج (عام)	کاهش تراز تجاری یا بحران ارزی	مجاز	استثنائات گات و صندوق بین‌المللی پول و ...
۷	تحدید ارادی خروج (خاص)	تغییر رفتار دولت هدف	ممنوعیت خاص	معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی و تعهدات سازمان تجارت جهانی و ...
۸	جریان غیرارادی خروج	بی‌ثباتی اقتصادی	مجاز	-
۹	تحدید غیرارادی خروج	ثبات اقتصادی	مجاز	-

که این امتیاز صرفاً برای سرمایه‌گذار خارجی با تعریف مشخص شده در همان قانون یا معاهده بین‌المللی و نه برای سایر اتباع داخلی و خارجی وجود دارد.

۱- منظور از خاص، تعهدات خاص‌الشمول است که صرفاً برای طرف‌های متعاقد لازم‌الاجراست.

### ۳- سرمایه‌گذاری خارجی در حقوق بین‌الملل: از تشویق تا تحریم

حضور سرمایه‌گذار خارجی یک اصل مهم در هر اقتصاد رو به توسعه تلقی می‌شود و به عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی ایفای نقش می‌کند. هرچند تعریف واحدی از سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد و ایکسید در رویکردی موسع، تعریف سرمایه‌گذاری خارجی را بر اساس توافق طرفین طبق معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی قرار داده است (Ebrahimi, Sultanzadeh, 2014: 84)، اما در مجموع در رویه داوری ایکسید می‌توان سه مؤلفه اصلی را در تعریف سرمایه‌گذاری خارجی ملاحظه نمود که عبارت از ورود سرمایه خارجی، بلند مدت بودن سرمایه‌گذاری و ریسک‌پذیر بودن سرمایه‌گذاری است.

سرمایه‌گذاری خارجی در عرصه بین‌المللی طی دو موج افزایش یافته است. موج اول به سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۴ باز می‌گردد که در این دوران سرمایه‌گذاری خارجی از رهگذر قوانین ملی صورت می‌پذیرفت. مسیر حرکت سرمایه‌های خصوصی خارجی در این مقطع و قبل از جنگ جهانی اول از کشورهای اروپایی به سوی کشورهای تازه صنعتی شده آن زمان یعنی آمریکا، کانادا، آرژانتین و استرالیا بود. در واقع یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی این کشورها، جریان سرمایه خصوصی از اروپا بود. جنگ جهانی اول موجب رکود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شد اما بعد از جنگ جهانی دوم موج دوم افزایش سرمایه‌گذاری خارجی به ویژه در قاره آسیا آغاز شد و دور جدیدی برای جریان سرمایه‌های خارجی پدید آمد.

از اوایل دهه ۱۹۸۰، به تدریج روش‌های تامین مالی بین‌المللی از روش استقراض به سمت روش‌های غیراستقراضی جذب سرمایه‌گذاری تغییر جهت داد. به نحوی که این تغییر رویکرد در دهه ۱۹۹۰ و به ویژه دهه اول قرن ۲۱ به یک حرکت رقابتی تبدیل شده است و کشورها با ارائه مزیت‌های بیشتر در صدد جذب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر بودند. این دلایل موجب شد که سرمایه‌گذاری خارجی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی چهار برابر شود. در دوران حاضر حجم مالی سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر از حجم پولی است که طی تجارت خارجی در جریان است (زمانی، حسینی، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۵) طبق آمار صندوق بین‌المللی پول تا سال ۲۰۰۰ صرفاً ۵ درصد از تولید ناخالص جهان به سرمایه‌گذاری تعلق داشت در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۸ به بیش از ۲۰ درصد رسیده است (IMF Adopts Institutional View on Capital Flows, 2018,p1).

از دهه ۷۰ میلادی، رشد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی موجب تقویت گردش

سرمایه در جامعه بین‌المللی و تضمین و تثبیت رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی شد. اولین معاهده دو جانبه سرمایه‌گذاری خارجی در ۱۹۵۹ میان آلمان و پاکستان و آلمان با جمهوری دومینکن منعقد شد و روند شتاب‌گونه انعقاد این معاهدات از ۱۹۷۰ به بعد آغاز شد. تا کنون حدود ۳۰۰۰ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری منعقد شده است.<sup>۱</sup> این در حالی است که صرفاً ۳ «معاهده چندجانبه» که به بخشی از موضوعات حقوق سرمایه‌گذاری خارجی شامل انرژی، داوری بین‌المللی و بیمه می‌پردازد، وجود دارد.<sup>۲</sup>

در راستای تسهیل جریان آزاد ورود سرمایه و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری خارجی، قوانین داخلی نیز برای تشویق و جذب سرمایه‌گذاری خارجی تصویب گردید.<sup>۳</sup> در این قوانین امتیازات بیشتری برای سرمایه‌گذار خارجی نسبت به سرمایه‌گذار داخلی در نظر گرفته می‌شود؛ امتیازاتی چون تسهیل واردات کالاهای مربوط به سرمایه‌گذاری، خروج ارز ناشی از صادرات سرمایه‌گذاری، الزام به پرداخت غرامت در صورت مصادره سرمایه‌گذاری و پذیرش سازکار داوری بین‌المللی. نمود فعالیت داخلی دولت‌ها را می‌توان در شاخص رتبه‌بندی ریسک سرمایه‌گذاری مشاهده کرد که توسط سازمان راهنمای ریسک بین‌المللی کشور<sup>۴</sup> تهیه می‌گردد.<sup>۵</sup> (Daman keshideh & Khoda bakhsh zadeh, 2011: 86)

سرمایه‌گذاری خارجی در مواردی با کاهش و رکود مواجه بوده است. این کاهش گاه در نتیجه سیاست‌های کشور سرمایه‌فرست یا سیاست‌های کشور سرمایه‌پذیر و گاه ناشی از مولفه‌های

۱- تاکنون ۶۱ معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری میان ایران و سایر کشورها منعقد شده است که بیشتر آن متعلق به پس از انقلاب اسلامی است.

۲- این معاهدات شامل منشور انرژی، ایکسید و میگا می‌شود. لازم به ذکر است تلاش‌هایی برای انعقاد یک سند جامع حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری مانند معاهده تریمز صورت گرفته است که تاکنون به نتیجه نرسیده است.

۳- ایران پس از تصویب اولین قانون سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۳۴، پس از گذشت حدود ۴۸ سال، قانون جدید تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را در سال ۱۳۸۱ تصویب و لازم‌الاجرا گردید.

#### 4- International Country Risk Guide

۵- شاخص‌های مورد نظر این سازمان عبارتند از شرایط سرمایه‌گذاری، فساد، قانون و نظم، کیفیت بوروکراسی، ثبات دولت‌ها، شرایط اقتصادی اجتماعی، اختلافات داخلی، اختلافات خارجی، نفوذ نظامی، تنش‌های قومی، تنش‌های مذهبی، پاسخگویی دموکراتیک.

غیرارادی مانند فقدان امنیت در دولت سرمایه‌پذیر بوده است. بحران‌های آسیا و آمریکای لاتین بعد از سال ۱۹۹۷ باعث تغییر فضای فکری دولت‌ها شد و لذا کنترل خروج سرمایه در سیاست‌گذاری کشورهای قرار گرفت. خروج انبوه سرمایه به همراه فروپاشی اقتصادی در شرق آسیا و آرژانتین نقش عمده‌ای در این سیاست داشت. امروزه حتی برخی از اقتصاددانان لیبرال بزرگ نیز معتقدند که حمایت طولانی از آزادی تحرک سرمایه اشتباه بوده است و حداقل در مورد کشورهای در حال توسعه باید بخشی از کنترل‌ها به صورت احتیاطی دنبال شود. (طیسی، محمدزاده، ۱۳۸۹: ۱۶۳) کاهش تراز تجاری خارجی و یا بحران ارز خارجی در کشور از دلایل تجاری ممانعت از خروج ارز از کشور و الزام دولت خارجی به تغییر رفتار خود از دلایل غیرتجاری ممانعت از خروج سرمایه است.

تحدید ارادی ورود سرمایه‌گذاری خارجی از سوی دولت سرمایه‌پذیر در جایی است که دولت میزبان جذب سرمایه خارجی را برای شرایط کشور نامساعد قلمداد کند. در اقتصاد این اعتقاد وجود دارد که اگر سرمایه خارجی به کشورهای دارای زیرساخت‌های نامساعد اقتصادی، مدیریتی و قانونی بدون محدودیت وارد شود می‌تواند موجب بحران‌های اقتصادی و مالی در آن کشورها شود، چرا که خروج ناگهانی سرمایه می‌تواند لطمات سنگینی وارد نماید. به طور مثال بحران اقتصادی در تایلند و کره جنوبی در سال ۱۹۹۷ میلادی زمانی رخ داد که سرمایه‌گذاران خارجی منابع مالی خود را خارج کردند. (Limitations on Foreign Investments, 2016, p2) این محدودیت ورود سرمایه خارجی در دوران استعمارزدایی در دهه ۶۰ میلادی نیز وجود داشته است که در آن کشورهای سرمایه‌پذیر اقدام به وضع قوانین در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی نمودند که ویژگی بارز و مشترک آن‌ها منع یا تضییق شرایط ورود سرمایه‌گذاران خارجی بود. (Dien & Aatian, 2012: 169).

#### ۴- ارزیابی تحریم سرمایه‌گذاری خارجی ایران

تحریم مستقیم و غیرمستقیم سرمایه‌گذاری خارجی ایران موجب تحدید گردش سرمایه به این کشور و از این کشور بوده است که نقض برخی قواعد حقوقی و اقتصادی بین‌المللی راجع به گردش آزاد سرمایه را به دنبال داشته است.

با مذاقه در تحریم سرمایه‌گذاری خارجی ایران و گردش آزاد سرمایه تعارض آشکاری قابل مشاهده است. کشورهایی که سرمایه‌گذار هستند بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته می‌باشند که سهم عمده و موثری را در صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا، گروه بیست، موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری خارجی دارند. این کشورها بر اصل جریان آزاد سرمایه و سرمایه‌گذاری اعتقاد دارند و مبنای سازمان‌ها و اسناد مذکور نیز بر همین اساس است. تحریم‌های اقتصادی نه تنها نمی‌تواند با اصل جریان آزاد سرمایه مطابقت داشته باشد بلکه در چارچوب استثنائات این اصل نیز نمی‌گنجد، زیرا استثنائات با هدف حفظ آرامش و تعادل در اقتصاد کشورهای سرمایه‌پذیر پیش‌بینی شده است، نه اینکه بهانه‌ای برای اختلال در مسیر جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری گردد.

تحریم سرمایه‌گذاری علیه ایران نوعی تحدید ارادی ورود سرمایه به ایران است. این تحریم‌ها نه با اهداف اقتصادی بلکه با هدف تغییر رفتار دولت اعمال گردید. این اقدام در صورتی که در چارچوب اقدام متقابل باشد طبق حقوق بین‌الملل می‌تواند مشروع باشد، اما در غیر این صورت می‌تواند مغایر با برخی تعهدات بین‌المللی باشد. تحریم سرمایه‌گذاری ایران حداقل با برخی تعهدات بین‌المللی عام و خاص این دولت‌ها در تعارض است.

اولاً این اقدامات در چارچوب نظام حقوقی صندوق بین‌المللی پول قابل توجیه نمی‌باشد. تحدید گردش آزاد سرمایه در صندوق بین‌المللی پول صرفاً با استناد فقدان زیرساخت‌های اقتصادی و یا بحران اقتصادی، حق دولت سرمایه‌پذیر است. این به معنای تحدید ارادی ورود سرمایه از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو صندوق است.

ثانیاً تحریم سرمایه‌گذاری اروپا مغایر با حق ایجادشده برای ایران به عنوان دولت ثالث «معاهده عملکرد اروپا» است. طبق ماده ۶۳ این معاهده همه محدودیت‌های جریان آزاد سرمایه میان دولت‌های عضو با یکدیگر و دولت‌های عضو با دولت‌های ثالث جز در موارد نظم و منافع عمومی دولت‌های عضو ممنوع است.

ثالثاً تحریم سرمایه‌گذاری ایران مغایر با عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی در ۱۹۵۵ بین ایران و آمریکا است. این معاهده در تهران منعقد شد و در ۱۶ می ۱۹۵۷ وارد مرحله لازم

الاجرائی شد. (Shahbazi, 2012: 59) مقدمه معاهده مودت، برخی اهداف انعقاد معاهده را توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری دو جانبه و روابط نزدیکتر اقتصادی<sup>۱</sup> میان مردم این دو کشور و به نفع طرفین بیان می‌دارد. در ماده ۷ نیز به آزادی انتقالات مالی و پولی و ارزی مگر در موارد خاص اشاره دارد.<sup>۲</sup> طبق بند ۲ ماده ۷ اعمال تزییقات ارزی نامشروع موجب استحقاق غرامت برای دولت زیان‌دیده خواهد بود. همچنین طبق بند ۳ ماده ۷ در تزییقات ارزی نباید تبعیضی از سوی دول عضو صورت گیرد. هرچند آمریکا در سال ۲۰۱۸ خروج خود از این موافقت‌نامه را رسماً اعلام نمود اما باید توجه داشت که مسوولیت بین‌المللی آمریکا به واسطه اقدامات خود در زمان لازم الاجرا بودن این معاهده قابل مطالبه است.<sup>۳</sup>

#### 1- mutually beneficial trade and investments and closer economic

۲- ماده ۷-۱- هیچیک از طرفین معاهدین در مورد پرداخت و ارسال و سایر انتقالات پولی به قلمرو طرف معظم معاهد دیگر یا از قلمرو طرف معظم معاهد دیگر به قلمرو خود تزییقاتی قائل نخواهد شد مگر: الف - تا حدی که برای تأمین ارز خارجی جهت پرداخت بهای کالاها و خدمات (سرویسهای) ضروری برای بهداشت و رفاه مردم لازم باشد یا ب - در مورد یک عضو صندوق بین‌المللی پول تزییقاتی که مصرحاً به تصویب صندوق رسیده باشد. ۲- اگر هر یک از طرفین معتمدین معاهدین تزییقات ارزی به کار برد به اسرع اوقات قرار معقول برای استرداد و انتقال ارز خارجی به پول رایج طرف معظم معاهد دیگر در موارد ذیل خواهد داد: الف - غرامت مذکور در بند ۲ ماده ۴ عهدنامه حاضر. ب - درآمدها به صورت حقوق (ماهانه)، بهره، سود سهام، حق‌العمل، حق‌الامتياز، اجرت خدمات فنی یا غیر آن و ج - مبالغ مخصوص استهلاك ديون و استهلاك سرمایه‌هایی که مستقیماً به کار افتاده و انتقالات سرمایه با توجه به حوائج خاصی برای سایر معاملات اگر برای ارز بیش از یک نرخ مجری باشد نرخی که در مورد اینگونه انتقالات مجری خواهد بود نرخی است که مصرحاً از طرف صندوق بین‌المللی پول جهت این گونه معاملات تصویب شده باشد یا اگر چنین نرخی از طرف صندوق تصویب نشده باشد نرخ خالصی مجری خواهد بود که با در نظر گرفتن هر گونه مالیات یا عوارض اضافی بر انتقالات ارزی معقول و عادلانه باشد. د - هر یک از طرفین معتمدین که تزییقات ارزی قائل می‌شود به طور کلی این تزییقات را به نحوی اجراء خواهد نمود که از نظر رقابت در تجارت و حمل و نقل یا بکار انداختن سرمایه طرف معظم معاهد دیگر با مقایسه با تجارت یا حمل و نقل یا به کار انداختن سرمایه هر کشور ثالثی تأثیر زیان‌آوری نداشته باشد و در هر موقع به طرف معظم معاهد دیگر برای مشاوره در باب اجرای این ماده فرصت کافی خواهد داد.

۳- سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در ۲۳ مهر ۱۳۹۷ اعلام داشت؛ نامه اعلام خروج آمریکا از عهدنامه مودت را دریافت کردیم. براساس مواد معاهده، خروج قطعی یک کشور از عهدنامه یک سال بعد از اخطار کتبی به طول می‌انجامد. پژوهشکده مطالعات راهبردی، بررسی حقوقی خروج آمریکا از عهدنامه مودت، قابل دسترسی در <https://risstudies.or>

رابعاً برخی از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی ایران با سایر کشورها نیز متضمن شرط انتقال آزاد بوده است که تحدید ورود سرمایه به ایران از سوی این کشورها ناقض این معاهدات بین‌المللی تلقی می‌شود. به طور مثال معاهده ایران با فرانسه و ژاپن (با استثنای حفظ تراز پرداخت‌ها و حمایت از بدهکاران و ...)، معاهده ایران با اتریش (با استثنای حفظ تراز پرداخت‌ها) و معاهده ایران با آلمان، ایتالیا و کره جنوبی از این جمله است. به همین دلیل تحدید ورود سرمایه به داخل کشور از سوی این کشورها خارج از استثنائات مذکور تخلف بین‌المللی خواهد بود.<sup>۱</sup>

خامساً با انعقاد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)<sup>۲</sup> تعهدات جدیدی راجع به ورود سرمایه از کشورهای طرف این معاهده به ایران ایجاد گردید. با اجرای برجام و متعاقب آن تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، تحریم‌های شورای امنیت لغو و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری که از سوی کشورهای طرف برجام به صورت یکجانبه اعمال گردیده بود ملغی گردید. همچنین سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه‌های نفت، پتروشیمی و گاز با لغو تحریم‌های اتحادیه اروپا از تحریم خارج گردید. (Joint Comprehensive Plan of Action, 2015, para 19) علاوه بر این ایالات متحده متعهد به توقف تحریم‌ها در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه نفت، گاز، پتروشیمی گردید. (Joint Comprehensive Plan of Action, 2015, Annex2, para4) لذا هرگونه تحدید سرمایه‌گذاری در ایران، همچون دستور اعمال مجدد تحریم‌ها از سوی رئیس‌جمهور امریکا نقض مفاد این معاهده نیز تلقی می‌شود.

### نتیجه‌گیری

گردش آزاد سرمایه به عنوان یک «اصل مشروط» در سازمان‌های بین‌المللی به عنوان نهادهای

۱- هرچند طبق ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد تعهدات ناشی از منشور بر سایر تعهدات بین‌المللی برتری دارد اما باید توجه داشت که اولاً شورای امنیت صرفاً سرمایه‌گذاری در بخش هسته‌ای و برخی از بانک‌های ایرانی را ممنوع نمود و ثانیاً تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ موجب تعلیق تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران گردید.

۲- شامل چین، فرانسه، روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان. برجام که نتیجه ۱۲ سال مذاکره از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴ می‌باشد در ژوئیه ۲۰۱۵ میان ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ منعقد شد و منضم به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت گردید.



تنظیم‌کننده اقتصاد بین‌الملل، پذیرفته شده است؛ صندوق بین‌المللی پول آن را مشروط به فراهم بودن زیرساخت‌های اقتصادی کرده است، سازمان تجارت جهانی در حوزه تجارت خدمات آن را مشروط به عدم لطمه به تراز پرداخت‌ها و مشکلات مالی خارجی نموده است، اتحادیه اروپا آن را مشروط به مغایر نبودن با نظم و منافع عمومی جامعه دانسته است و سازمان همکاری اقتصادی آن را مشروط به فقدان بحران‌های اقتصادی و مالی کرده است.

این اصل در معاهدات بین‌المللی از جمله موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی نیز مورد توجه قرار گرفته است. شرط انتقال آزاد ارز که در اکثر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری آمده است برای تضمین خروج آزادانه منافع ناشی از سرمایه‌گذاری است. با این حال استثنای حفظ تراز پرداخت‌ها و بدهی‌های داخلی قلمروی این آزادی را محدود کرده است.

باید توجه داشت که گردش آزادانه سرمایه همانطور که می‌تواند ورود سرمایه به کشورهای در حالی توسعه را تضمین نماید می‌تواند منجر به خروج نامتعارف ارز و سرمایه از کشور نیز بشود. این موضوع می‌تواند مشکلات اقتصادی را برای دولت به وجود آورد. به همین دلیل استثنائات مختلفی بر گردش سرمایه ایجاد شده است. علاوه بر این محدودیت‌های ساختاری، محدودیت ناشی از قواعد حقوق بین‌الملل مانند رقابت منصفانه مانع از آزادسازی افراطی گردش سرمایه در عرصه بین‌المللی می‌شود. در این چارچوب تحریم‌های اقتصادی در بخش سرمایه‌گذاری صرفاً با اهداف سیاسی صورت می‌پذیرند که با هیچ یک از استثنائات مذکور قابل تطبیق نیست.

تحدید ارادی سرمایه‌گذاری خارجی در دو حالت تحدید ورود سرمایه و تحدید خروج سرمایه صورت می‌پذیرد. تحدید خروج سرمایه ملی به دو شیوه تحدید عام خروج سرمایه و تحدید خاص خروج سرمایه (تحریم) قابل تقسیم است. در حالت اول دولت از خروج سرمایه از کشور ممانعت به عمل می‌آورد که اصولاً به دلایل تجاری است و در حالت دوم دولت با خروج سرمایه ممانعتی ندارد اما از ورود سرمایه به یک کشور خاص ممانعت به عمل می‌آورد که اصولاً به دلایل غیرتجاری است. از دلایل تحدید عام خروج سرمایه (ارز)، کاهش تراز تجاری خارجی یا

بحران ارز خارجی در کشور است<sup>۱</sup> و از دلایل تحدید خاص خروج سرمایه (ارز)، الزام دولت خارجی به تغییر رفتار خود است که معمولاً به شکل تحریم اقتصادی صورت می‌پذیرد.

تحدید ورود سرمایه می‌تواند به نحو ارادی یا غیرارادی باشد. نمونه تحدید ارادی ورود سرمایه خارجی در دوران استعمارزدایی در دهه ۶۰ میلادی است که کشورهای تحت استعمار سرمایه‌پذیر اقدام به وضع قوانین محدودکننده در حوزه سرمایه‌گذاری از جمله محدودیت در ورود سرمایه‌گذاران خارجی نمودند. تحدید غیرارادی ورود سرمایه خارجی در موارد بی‌ثباتی اقتصادی است. به طور مثال سرمایه‌گذاری خارجی در دو کشور سوریه و عراق در سال‌های پس از ۲۰۱۱ میلادی و ورود گروه‌های تروریستی به این کشورها با افت شدید مواجه گردید. (Foreign direct investment, 2018)

در مجموع گردش سرمایه در وضعیت‌های مختلفی قابل تصور است. تحدید ارادی ورود سرمایه و تحدید ارادی خروج خاص سرمایه می‌تواند مغایر با برخی تعهدات حقوق بین‌الملل باشد. به عبارت دیگر گردش سرمایه به سمت بیرون از کشور با آزادی بیشتری مواجه است ولی کشورها حاکمیت خود را در تحدید ورود سرمایه عمدتاً حفظ نموده‌اند. جریان خروج ارادی نیز چنانچه با هدف کاهش ارزش پول ملی و توسعه صادرات باشد می‌تواند مغایر تعهدات بین‌المللی راجع به حقوق رقابت و ممنوعیت بازارشکنی باشد.

تحریم سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا و برخی کشورهای متحد آن، ناقض تعهدات بین‌المللی ناشی از صندوق بین‌المللی پول، موافقتنامه مودت و تجارت، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و برنامه جامع اقدام مشترک است. با توجه به اینکه حامیان اصل گردش آزاد سرمایه یعنی کشورهای توسعه‌یافته غربی، خود از تحریم‌کنندگان ایران هستند می‌توان گفت که امروز در موضوع گردش آزاد سرمایه میان تئوری و عمل شکافی بزرگ وجود دارد. این شکاف باید با مطالبه تعهدات بین‌المللی کشورهای سرمایه‌فرست از یکسو و تأمین انتظارات کشورهای سرمایه‌پذیر از سوی دیگر در موضوع ورود و خروج سرمایه، مرتفع و تکمیل شود.

۱- به طور مثال با بروز نوسانات شدید ارزی در ایران در سال ۱۳۹۷ قوانین و تدابیر محدودکننده‌ای برای خروج ارز از کشور تدوین گردید. این اقدامات شامل محدودیت عرضه ارز دولتی برای واردات کالا و سفرهای خارجی، محدودیت در خرید و فروش ارز به قیمت آزاد در بازار و ... می‌شود.

**References**

- [1] Daman Kashideh, Marjan, Saeed Khodabakhshzadeh, (2012). "Study of the Impact of Business Regulations and Foreign Direct Investment on Economic Growth in G77 Countries", *Quarterly Journal of Financial Economics*, 21, pp. 81-110 (In Persian).
- [2] Ebrahimi, Seyed Nasrollah, Sultanzadeh, Sajjad (2014). 'The concept of investment in the arbitration procedure of the Center for the Settlement of Foreign Investment Disputes'. *International Law Journal* , (50), pp 108-77 (In Persian).
- [3] Ghodoosi, Farshad, (2014). 'The Limits of Free Movement of Capital: The Status of Customary International Law of Money', *Northwestern Interdisciplinary Law Review*,7, pp253-278 (In Persian).
- [4] Ignatius Seidel, Hooman Feldern Translated by Seyed Qassem Zamani,(2000). 'International Economic Law', Tehran, Shahr-e-Danesh Institute for Legal Studies and Research (In Persian).
- [5] Mohammadi, Esfandiar. (2004). 'Theories of International Political Economy, *Journal of Humanities*' (University of Imam Hussein), pp. 9-56 (In Persian).
- [6] Namazi, Hussein; Lashkari, Alireza (2013). 'Balance and approaches to justice; Exploration on the approach of Martyr Sadr and Martyr Motahari to balance', *Journal of Islamic Economics*, (6), 234-197 (In Persian).
- [7] Qanbarloo, Abdullah, (2012). 'Liberal economics and the issue of war and peace in international relations' ,*Comparative Economics*, 5, pp. 115-131 (In Persian).
- [8] Saadat, Rahman, (2014). 'Critiques of the Advantages of International Trade Theories, Transformation in the Humanities', 2, pp. 85-98 (In Persian).
- [9] Shahbazi, Aramesh, (2012). 'The validity of the Treaty of Amity (1955) and the ability to cite it in Iran-US relations, *International Law Journal*'1, 44, pp. 55-72 (In Persian).
- [10] Tab, William (2004). 'The Immoral Elephant: Globalization and the Struggle for Social Justice in the 21st Century', translated by Hassan Mortazavi, Tehran, Digar publication (In Persian).
- [11] Tafazoli, Fereydoun, (2004). 'Emergence of new ideas, schools of thought and economic theories during the Industrial Revolution (1850-1750)', *Economic Research*, 2, pp. 47-80 (In Persian).
- [12] 'Fact Sheets on the European Union.Free movement of capital', (2018).
- [13] Barton, John, Judith Goldstein, Josling Timothy E, (2008). 'The Evolution of the Trade Regime: Politics, Law, and Economics of the GATT and WTO'. USA, princeton University. national law, 15. pp 425 451.
- [14] Crane, George, Abla Amawi, (2011). 'The theoretical evolution of International Political Economy', New York: Oxford university press.
- [15] Dain, Janat, Arian, Mohammad,(2012). ' Study and analysis of the nature of

- foreign investment law developments; Past, present and future', *Journal of Islamic Law*, (36), pp.157-18
- [16] Eichengreen, Barry, (1992). 'Golden Fetters: The Gold Standard and the Great Depression 1919-1939', New York, Oxford University Press.
- [17] European Free Trade Association, 1960.
- [18] Feibelman, Adam, (2015). 'The IMF and Regulation of Cross-Border Capital Flows', *Chicago Journal of Inter* 22.
- [19] Ghorashi, Reza, (1995). 'Marx on Free Trade', *Science & Society*, 59. pp. 24-49
- [20] Hindelang, Steffen ,(2009). 'The Free Movement of Capital and Foreign Direct Investment. The Scope of Protection in EU Law', New York, Oxford University Press.
- [21] IMF Adopts Institutional View on Capital Flows (2018).
- [22] Jackson, Robert, & Georg Sørensen, (2010). 'Introduction to international relations: theories and approaches', New York , Oxford University Press.
- [23] Joint Comprehensive Plan of, Action (2015).
- [24] Leckow B, (1999). 'The Role of the International Monetary Fund in the Liberalization of Capital Movements', *WIS. Internationla Journal*, 17, pp 12-31.
- [25] Lupo Pasini, F, (2011). 'The International Regulatory Regime on Capital Flows', *Asian Development Bank Institute*.
- [26] Lupo Pasini, F. (2012). 'The International Regulatory Regime on Capital Flows and Trade in Services'. *ADBI Working*.
- [27] Muller, Al, (1978). 'Quesnay's Theory of Growth: A Commen', *Oxford Economic Papers*, 30,pp. 150-156.
- [28] Nyankomo Marwa, (2014). 'How can Africa Attract Different Forms of Capital flow?', *Theoretical Perspectives, Theoretical and Applied Economics*, 12, pp 1-24.
- [29] Pabian, David (2015), 'Capital Controls in International Law: Clarity Through a Central Regulatory System', *Minnesota Journal of International Law*, 24, pp 1-32.
- [30] Review of the OECD Code of Liberalisation of Capital Movements ,( 2018).
- [31] Segall ,Anna (1999). 'Economic sanctions: legal and policy constraints, *International Conference of the Red Cross and Red Crescent*', (81),1, pp.763-784.
- Salvatore, Dominick (1977). 'Microeconomia', *Mcgraw-hill do Brasil*.